

# کودک،



# کتاب،



# تندخوانی.

## برند پورنقشبند

چگونه می‌تواند پاسخگویی نیاز آنها باشد؟ کودک با شنیدن و خواندن افسانه‌های شگفت‌انگیز، تخیل خود را پرورش می‌دهد. نیرویی که بدون آن، انسان هرگز به پیشرفتهای کنونی دست نمی‌یافت، همه ابداعات بشر ابتدا به صورت رویا و تخیل در اندیشه انسان شکل گرفته و سپس به واقعیت بدل شده است. افسانه‌ها به کودکان فرصت می‌دهد تا از طریق همانند شدن با قهرمانان این قصه‌ها، غم و شادی، امید و ناامیدی، خشم و مهربانی، امنیت و بی‌پناهی، شکست و پیروزی و بسیاری تجربه‌های دیگر را لمس کنند. آنگاه که کودک به شناخت خود و جایگاهش در میان سایر انسانها روی می‌آورد، داستانهای واقعی مانند آینه‌ای در برابر او قرار می‌گیرد و به او کمک می‌کند تا ابعاد شخصیت خود را بشناسد و ارزیابی درستی از روابطش با دیگران به عمل آورد.

صیقل دادن عواطف و احساسات انسانی را، شعر به عهده دارد. بویژه در سرزمینی که شعر، مهمترین قالب ادبیات محسوب می‌شود.

کنجکاوهای خام و خود انگیخته کودکان و نوجوانان، به کمک کتابهای علمی مناسب، جهت داده می‌شود. این کتابها به آنها شهامت تجربه کردن و شناختن محیط طبیعی را می‌دهد. آنگاه که کودک روحیه اجتماعی پیدا می‌کند و مایل است درباره مردم و اجتماع بیشتر بداند، کتابهای دانش اجتماعی او را هدایت می‌کند.

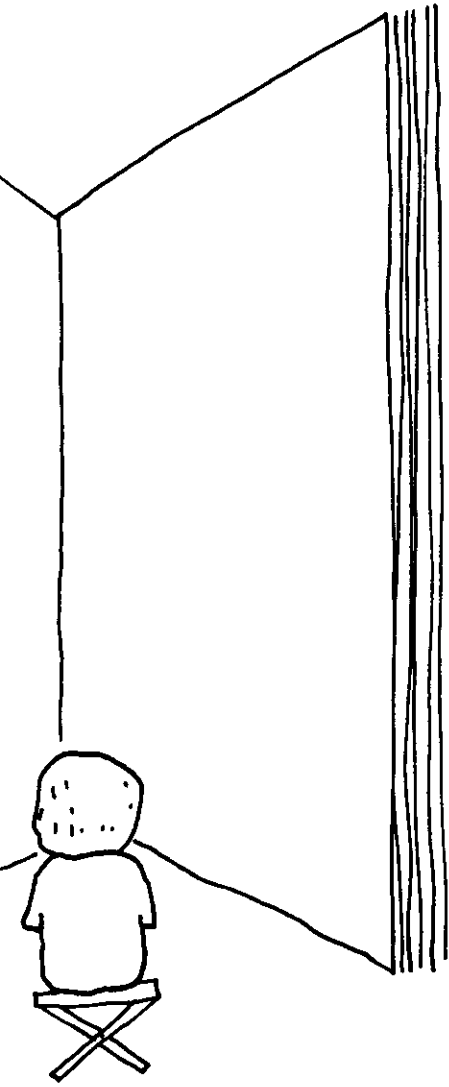
تجربه‌های علمی، زندگی را بیاموزند. اما عمر انسان اجازه نمی‌دهد خود همه چیز را از طریق تجربه مستقیم کسب کند. آنچه را هم که از طریق ارتباط شفاهی از دیگران کسب می‌کند ناپایدار و غیرموثق می‌یابد و به این ترتیب، اهمیت کتب ویژه کودکان مشخص می‌شود. سازمان ملل متحد سال ۱۹۹۴ را سال جهانی خانواده اعلام کرد. به همین مناسبت، دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان نیز با طرح «خواندن با خانواده» کلیه فعالیتهای خود را برای شکل‌گیری عادت به خواندن در میان کودکان، بر روی نهاد خانواده متمرکز کرده است.

کودکان و نوجوانان کتب مختلفی را می‌خوانند و کتابهای درسی نیز در این طیف می‌باشد اما بین خواندن موظف و خواندن آزاد تفاوت بسیاری وجود دارد. در خواندن موظف، کودک به دلخواه نمی‌تواند کتابی را انتخاب کند، کتابی را کنار بگذارد و یا از پاسخ به پرسشهای مربوط به آن طفره برود. باید همه قسمتها را بخواند و با آمادگی کامل، خود را در معرض ارزشیابی قرار دهد. حال آنکه در خواندن آزاد، کتاب و موضوع دلخواه او از اهمیت برخوردار است. اوست که بر اساس نیازها و علایقش موضوعات مختلف را برمی‌گزیند و با آهنگ دلخواه خود آن را می‌خواند، بی‌آنکه لازم باشد آموخته‌های خود را در معرض ارزشیابی قرار بدهد. کتابهای غیردرسی کودکان در واقع پاسخگویی نیاز خواندن آزاد آنها است. اما انواع کتابهای کودکان

خواندن نوعی سهیم شدن در اطلاعات، آگاهیها و تجربیات دیگران است و کتاب بعنوان دستاورد اندیشه، افکار و ابداعات انسانهای فرهیخته و متفکر، وسیله این سهیم شدن را برای انسان فراهم می‌آورد.

علی‌رغم گسترش چشمگیر رسانه‌های صوتی و تصویری، افزایش روزافزون تیراژ مطبوعات و کتاب در سراسر جهان نشانگر این است که، خواندن اهمیت خود را از دست نداده است. و مطالعه توسط افراد گوناگون با هدفهای مختلف انجام می‌گیرد، کارمندان نامه‌های اداری را می‌خوانند. متخصصان، محققان، دانشجویان و دانش‌آموزان کتب علمی، تحقیقی، فنی و درسی را مطالعه می‌کنند و منتقدان، نویسندگان و دست‌آوردان هنر می‌خوانند در جریان آثار ادبی و هنری باشند. و بالاخره طیف گسترده خوانندگان عادی نشریه‌ها و کتابهای داستانی ساده، کودکان به دلیل تفاوت در تجربه، تفاوت در توانایی درک و خواندن و تفاوت در تمرکز حواس، به کتابهایی نیاز دارند که بتوانند پاسخگویی نیازها و علایق گوناگون آنها باشد.

پیش از ظهور پدیده‌ای به نام کتاب کودک نیز، کودکان از سهیم شدن در دستاوردهای بشری محروم نبوده‌اند. چرا که پهنه ادبیات شفاهی، تا حدودی پاسخگویی نیاز آنها به دانستن، کشف کردن و سهیم شدن بوده است. به این ترتیب، بدون کتاب هم کودکان می‌توانند از طریق



همچنان وابسته بی‌چون و چرای کتاب است تا به گسترش و تعمیق آگاهی‌های خود بپردازد و کودکان که بیش از بزرگترها نیازمند آشنایی با جهان هستند و طبیعتاً کودکان بهترین یادگیرنده فن روش صحیح مطالعه و تندخوانی هستند.

با آنکه تندخوانی را می‌توان تا آغاز قرن حاضر ردیابی کرد ولی از موقعی که انفجار مطالب انتشاراتی، خوانندگان آن را که با سرعت عادی خواندن، یاری همگامی و مقابله برای مطالعه مواد منتشره چاپی نداشتند، در خود فرو بلعید، بیشترین تعداد دوره‌های آموزشی تندخوانی بر اساس اطلاعاتی پا گرفت که از منبع تا حدی دور از انتظار، یعنی نیروی هوایی در دسترس قرار گرفته بود.

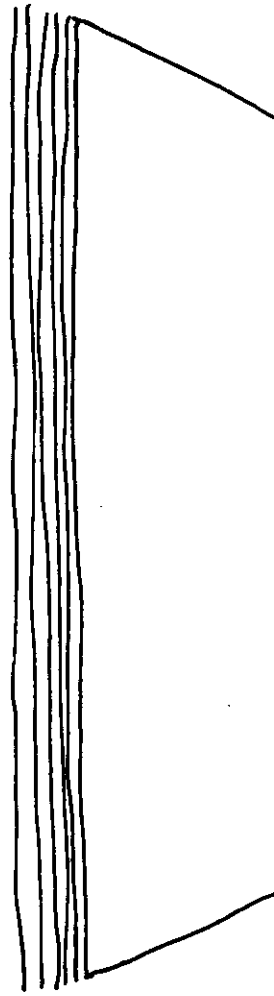
توجه کارشناسان نیروی هوایی به این مسئله معطوف شد که شماری از خلبانان، از فاصله معینی، قادر به تشخیص هواپیماها نبودند. در موقعیت نبرد مرگ و زندگی، این ضعف بینایی بطور بارزی یک نقیصه و کمبود بزرگ به حساب می‌آمد. روانشناسان و آموزش‌دهندگان این نیرو در صدد چاره‌اندیشی برآمدند، آنها ماشینی اختراع کردند که «تاچی استسکوپ» نامیده شد، و آن وسیله‌ای بود برای تاباندن تصاویر بر پرده‌ای بزرگ، در لحظات زمانی متفاوت، آنها تصاویر نسبتاً بزرگی از هواپیماهای خودی و دشمن را بر پرده می‌تابانند، که ابتدا هر یک از این تصاویر به آهستگی و در فواصل زمانی بیشتر، و سپس به تدریج، در مدتی کوتاه‌تر، و در اندازه‌های کوچکتر، روی پرده ظاهر می‌شد. آنان با شگفتی دریافته‌اند که با آموزش و ممارست در این کار، فرد میانه حال از لحاظ دید، هنگام عرضه تصاویر، که تقریباً به کوچکی یک تکه و تنها به مدت  $\frac{1}{50}$  (یک پانصدم) ثانیه عبور داده شود، قادر به تشخیص هواپیماهای مختلف خواهد بود. استنتاج حاصله نمایانگر این نکته بود که سابقاً توانایی حسی چشمان بسیار پائین تر از میزان واقعی آن ارزیابی شده است از این رو در صدد برآمدند که آگاهی از تجربه

کتابهای تاریخی و جغرافیایی، مفهوم زمان و مکان را برای او باز می‌کند. از طریق این کتابهاست که کودک، با مردم سرزمینها، اقوام و محیطهای اجتماعی و فرهنگهای گوناگون آشنا می‌شود و می‌آموزد که باید در میان خانواده بزرگ بشری با حس همدردی و تفاهم زندگی کند. نقش هنر در تعالی انسان بر کسی پوشیده نیست. بویژه در سنینی که کودک زمینه‌های گوناگون استعداد خود را بروز می‌دهد. کتابهای هنری، شناخت او را در زمینه‌های گوناگون بالا می‌برد و به پرورش حس زیبایی‌شناسی و درک هنری وی کمک می‌کند.

کودکان و نوجوانان به فراخور سن و فراغت خود به بازی می‌پردازند. بازی عامل سازنده‌ای در پرورش جسم و اندیشه آنان است. کتابهای نوشته شده درباره بازی و سرگرمی، دایره فعالیت آنها را متنوع‌تر و در نتیجه آموخته‌هایشان را غنی‌تر می‌کند. همچنین با برقراری توازن بین فعالیت‌های جسمی و ذهنی، اوقات فراغت آنان را به ساعاتی پرثمر و مفید مبدل می‌سازد. در جستجو برای یافتن فلسفه زندگی و درونی کردن ارزشهای اخلاقی، کتابهای دینی می‌تواند زمینه‌ساز و تفکربرانگیز باشد.

لذا بایستی از ابتدا به کودکانمان چگونگی برخورد با کتاب و انتخاب آن را بیاموزیم و در این روند راهنما و یاری‌دهنده آنان باشیم و در شرایطی که آشنایی کامل از عناوین جدید کتابها نداریم از کارشناسان علوم آموزشی استفاده نماییم. و اما مشکلی که قریب به اتفاق کودکان و نوجوانان ما در حین مطالعه با آن دست به گریبان هستند کندخوانی و در نتیجه از دست دادن زمان جهت استفاده بهینه از نوشته‌ها می‌باشد. و این هنر نو و جدید که از دیرباز، از آن هنگامی که انسان نخستین بار برای چیره شدن بر طبیعت به مغز خود وابسته شد، افراد برخوردار از حافظه قوی در مکان فرماندهی جای گرفتند، همواره باعث تحسین همگان بوده است. چنانکه قبلاً اشاره کردیم انسان

حاصله را بر کار خواندن انطباق دهند، با بکار بستن همان شیوه و ابزار کار. در نتیجه، با روشی که حاصل کار تاچی استسکوپ بود، دوره‌های آموزشی تندخوانی بر اساس اسباب و عوامل این کار دایر گردید. متأسفانه، آموزش دیده‌های این روش که دوره‌های اخذ گواهینامه را به پایان رسانیده‌اند، پس از شرکت چند هفته‌ای در دوره‌های تندخوانی ناخشنودی خود را از روش کار قبلی ابراز می‌دارند. و پس از اندک زمانی از نظر سرعت و درک مطالعه به سطح قبلی خود نزول کرده‌اند. اکنون با یک اشاره مختصر به چند عامل کندخوانی، یک روش مطالعه صحیح را که می‌توان به راحتی به کودکان و نوجوانان عزیز آموخت بیان می‌داریم. عمده‌ترین علل کندخوانی عبارتند از:



ج- درک: یعنی شناخت ارتباط موجود بین کلمات و درک کلی مفاهیم جملات و درک نهایی متن و پیوستگی با معلومات قبلی.

د- ضبط و یادآوری: حفظ و به خاطر سپردن مطالب به نحوی که در موقع لزوم بتوان به یاد آورد.

ه- یادآوری و به کارگیری عملی آنچه درک شده بصورت‌های مختلف اعم از تفکر و اجرای عملی و کتبی و شفاهی همراه با دخل و تصرف.

برخلاف تصور بعضی‌ها که تندخوانی را موجب بی‌دقتی می‌دانند، به علت تمرکزی که در حین سرعت ایجاد می‌کند موجب دقت و درک بهتر می‌شود. زیرا در کندخوانی اغلب فرصتهای زیادی برای تداعی‌های دامنه‌دار و بی‌مورد مغز بوجود می‌آید که موجب انحراف از متن اصلی شود. تندخوانی حجم مطالعاتی را بالا می‌برد، دقت و درک و پایداری مطالب در ذهن را بهتر می‌کند و بر دیگر رفتارها نیز تأثیر می‌گذارد.

تندخوانی یعنی پرش سریع‌تر چشم از روی کلمه‌ها و دیدن کلمه‌های بیشتر در هر پرش، بوسیله میدان دید بهتر.

بنابراین مهمترین اصول تندخوانی عبارتست از:

- ۱- بی‌صدا خواندن و لب نزدن.
- ۲- گسترش میدان دید به منظور دیدن کلمات بیشتر در هر مکث.
- ۳- انتقال سریع آنچه در میدان دید، در هر مکث قرار دارد.

چند مرحله راهنما جهت تندخوانی:

اول: آشنایی با کتاب و چگونگی چاپ و تصاویر و زیرنویسها و....

دوم: استفاده از یک راهنما مثل مداد یا انگشت که ترجیحاً انگشت را انتخاب می‌کنیم.

سوم: عدم لب‌خوانی و یا با صدا خواندن بلکه در سکوت مطالعه کردن.

چهارم: یکبار خواندن و جلوگیری اکید از برگشت چشم روی کلمات قبلی.

پنجم: جلوگیری از تکرار کلمات در

ذهن. زیرا چشم باید در همان نوبت اول دیدن انتقال به مغز را انجام دهد.

ششم: حذف کلمات اضافه و ربط که بایستی به کمک انگشت خیلی سریع از آنها گذشت و چشم گزین‌بینی نماید.

هفتم: افزایش حوزه دید با عدم مکث روی کلمات با صحیح نشستن و حرکت چشم بصورت عمودی که بایستی با ریتم هر فرد سازگار باشد و کم کم افزایش پیدا کند.

هشتم: روخوانی سریع و اجمالی که یک کتاب ۱۰۰ تا ۲۰۰ صفحه‌ای را طی ۱۵ الی ۲۰ دقیقه ورق بزیند و با همه جوانب کتاب آشنا شوید.

نهم: یادداشت برداری به زبان خود فرد و فرهنگ‌گویی وی با استفاده از سیستم بردار یا شبکه‌ای که حتماً جنبه نت و کلمات کلیدی داشته باشد و از رنگ‌بندیهای متفاوت نیز بهره‌مند باشد.

در اوایل تمرین اصلاً به درک توجه نفرمایید تدریجاً که قادر شدید سه عامل اولیه را بدست آورید وارد مرحله درک خواهید شد.

در مبحث درک و یادآوری نیاز هست که بدانیم آنچه به صورت متحرک- مضحک- رنگی، به ذهن سپرده می‌شود طبیعتاً بهتر در ذهن می‌ماند و یادآوری آن حتی با لحظه یادگیری و اتفاق حادثه مرور می‌شود و سالیان سال باقی می‌ماند یا اگر با انگیزه و علت شخصی به خاطر سپرده شود.

به هر حال مطلبی ارزش یکبار خواندن را دارد و جهان از آن کسانی است که می‌خوانند.

**منابع:**

- ۱- تونی، بوزان - از بهترین کارآیی مغز استفاده کن. ترجمه عبدالله مستوفی، تهران، انتشارات انیس، ۱۳۷۰.
- ۲- علی اکبر، شعاری نژاد - روشهای یادگیری.
- ۳- سرور نعمت‌اللهی - چیست روشهای مطالعه نوین.
- ۴- روزنامه اطلاعات ۱/۳۱/۱۳۷۳.
- ۵- دکتر بوکینگهام - افسانه‌های کهن و کودکان.
- ۶- لئوبوسکالیا - من همه را درست دارم و آنان نیز هم... مترجم: زهره فوحی، تهران، انتشارات خاتون، ۱۳۷۲.
- ۷- وضعیت آخر - هریس، توماس آنتونی. ۱۹۱۳، ترجمه اسماعیل فصیح، تهران، نشر نو، ۱۳۶۱.

- مکتهای طولانی روی کلمات
- کمبود حوزه دید جهت مطالعه
- عدم آگاهی از نوع مطلب و نگارش
- محیط فیزیکی نامناسب
- مطالعه حین خستگی
- برگشتهای مکرر روی کلماتی که خوانده شده
- عدم تمرکز حواس به مطلب خواندنی
- و.....

در مطالعه هر متن می‌توان برحسب نیاز، مراحل زیر را طی کرد:

- الف - تشخیص: دیدن حروف و کلمات توسط چشم و انتقال آن به ذهن.
- ب - جذب و انطباق: جذب آنها و شناخت کلمات از نظر معنی و مفهوم بطور جزئی.